



دوفصلنامه تخصصی فقه نظام

سال اول | شماره اول | بهار و تابستان ۱۴۰۳

Bi-Quarterly Feghhe Nezam

Vol. 1 No.1 Spring & Summer 2024

بررسی فقهی شرط عدالت

در صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی

محمد سهیل بهرام‌نسب^{۱*} | مسیح الله آصفی^{۲**}

چکیده

شرط بودن «عدالت» در ابواب مختلف فقهی، نشان‌دهنده اهمیت «عدالت» در نزد شارع است. در چیستی ماهیت «منصب نمایندگی مجلس»، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: «وکیل شرعی از جانب مردم»، «ولی مأذون از جانب ولی فقیه»، «وکیل قانونی مأذون از سوی ولایت فقیه» و «وکیل شرعی از سوی مردم و ولی مأذون از سوی ولی فقیه». به نظر می‌رسد ماهیت «منصب نمایندگی مجلس» در نظام جمهوری اسلامی، مطابق با دیدگاه چهارم باشد. شرط «عدالت» در احراز صلاحیت نمایندگان مجلس، ارتباط مستقیم با نوع وظایف آنها در این منصب دارد. در این مقاله - به روش کتابخانه‌ای - پس از بررسی خاستگاه شرط «عدالت» در ابواب فقهی و تبیین ماهیت «منصب نمایندگی مجلس»، به ادله اثبات لزوم شرط «عدالت» در صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس پرداخته و بیان کرده‌ایم که با توجه به عمومات دال بر شرطیت عدالت و ملاحظه ماهیت منصب نمایندگی - که قابل تطبیق بر برخی عناوین فقهی همچون قضاوت، عدالت و وکالت است - و با عنایت به نوع وظایف نمایندگان و رابطه میان این وظایف با شرط عدالت و نیز با تأملی در مذاق شارع که در ابواب مختلف فقهی بر شرط بودن عدالت استوار است و همچنین با وجود

۱* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح چهار دوره تخصصی فقه سیاست مرکز جامع علوم

اسلامی ولی امر عَلَيْهِ السَّلَام (نویسنده مسئول) | moc.liamg@593liehosdammahom

۲** استاد درس خارج حوزه علمیه قم | moc.oohay@34hisam

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ | تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

مفاسد فراوان در این منصب در فرض شرط نبودن عدالت، می‌توان نتیجه گرفت که «عدالت» باید یکی از شروط صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس باشد.

کلیدواژه‌ها

عدالت، مجلس، نماینده، ماهیت فقهی، ولایت.

مقدمه

یکی از ساحت‌های فقه نظام، فقه سیاست است که در آن به طور کلان، بُعد فقهی مسائل مرتبط با سیاست بررسی می‌شود. «فقه تقنین» یکی از گرایش‌های فقه سیاست است که به جنبه فقهی مسائل مربوط به پدیده قانونگذاری می‌پردازد. بررسی فقهی شرط عدالت در صلاحیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، موضوعی چالشی در این گرایش به حساب می‌آید. ضرورت بررسی این موضوع از آن جهت است که در صورت اثبات شرط «عدالت» در صلاحیت نامزدهای این منصب، فرایند تقنین، با پیشرفت چشم‌گیری از لحاظ کیفی و حتی کمی مواجه خواهد شد؛ چنان که تا کنون فقدان این شرط، آثار نامطلوب و جبران‌ناپذیری در فرایند قانونگذاری به همراه داشته است. این موضوع با این عنوان، در هیچ مقاله یا کتابی نیامده است؛ تنها در یک مقاله، با عنوان «بررسی شرط تقوا و عدالت مقامات حکومتی در فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»^۱، به طور کلی بدان اشاره شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که شرط عدالت، در صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، از چه جایگاهی برخوردار است؟ در ضمن پاسخ به این سؤال، سؤالاتی از این دست پاسخ داده می‌شوند: مفهوم نماینده و مجلس چیست؟ معنای فقهی عدالت و خاستگاه شرط عدالت در ابواب فقهی کدام است؟ «منصب نمایندگی مجلس» از چه ماهیتی برخوردار است؟ ادله اثبات شرط عدالت در صلاحیت نمایندگان مجلس کدام است؟ بر این اساس، در این مقاله، پس از تبیین مفهوم واژه‌های «عدالت»، «مجلس» و «نماینده مجلس»، به خاستگاه شرط عدالت در ابواب فقهی اشاره می‌شود و آنگاه مهم‌ترین احتمالات در چستی ماهیت نماینده مجلس تبیین می‌شود و در ادامه، با استفاده از مباحث یاد شده، ادله اثبات شرط

۱. ملک‌افضلی ارکانی، محسن؛ امیدی فر، عبدالله؛ تنها، فاطمه؛ «بررسی شرط تقوا و عدالت مقامات حکومتی در فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران».

عدالت در نمایندگان مجلس بیان می‌شود.

مفهوم‌شناسی

عدالت

واژه «عدالت»، مصدر «عَدَلَ» و در لغت به معانی «میان‌روی در امور»،^۱ «خلاف جور»،^۲ «برابری»^۳ و «استقامت»^۴ است. در معنای اصطلاحی این واژه، دست‌کم یازده دیدگاه وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

دیدگاه نخست، نظر مشهور علما از علامه و فقهای متأخر از ایشان است و بنا بر آن، «عدالت» کیفیتی نفسانی است^۵ که سبب ملازم تقوا بودن و یا ملازم تقوا و مروّت بودن می‌شود.^۶ علامه حلّی،^۷ شهید اول،^۸ محقق کرکی،^۹ شهید ثانی،^{۱۰} محقق سبزواری،^{۱۱} حائری طباطبایی^{۱۲} و صاحب جواهر،^{۱۳} پس از ذکر این تعریف، تحقق «تقوا» را به ترک گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره می‌دانند و معتقدند «مروّت»، اجتناب از اموری است که سبب بی‌ارزش شدن نفس و پستی همت می‌شود. مانند: خوردن و

۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۹۶؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۲۱.
۲. همان، ص ۴۲۰.
۳. ابن فارس، أحمد، معجم مقائیس اللغة، ج ۱۴، ص ۴؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۲۱؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۵۱.
۴. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۲۴.
۵. برخی از فقها به جای کلمه «کیفیت»، از واژه «حالت» و برخی از واژه «هیئت» استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که برخی به جای کلمه «نفسانیه»، از واژه «راسخه» بهره برده‌اند (انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، رسائل فقهیة، ص ۵).
۶. انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، رسائل فقهیة، ص ۵.
۷. حلّی، محمد بن منصور بن احمد، (ابن ادريس حلّی)، تحریر الأحکام، ج ۵، ص ۲۴۷.
۸. العاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس، ج ۲، ص ۱۲۵.
۹. کرکی جبل عاملی، علی بن حسین. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۷۲.
۱۰. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، حاشیة الإرشاد، ج ۴، ص ۱۰۸.
۱۱. سبزواری، محمد باقر (محقق سبزواری) ذخیرة المعاد، ج ۲، ص ۳۰۳.
۱۲. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۴، ص ۲۴۵.
۱۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۲۹۴.



آشامیدن در بازار.

دیدگاه دوم: استقامت فعلیه ناشی از ملکه.^۱

دیدگاه سوم: معروفیت به تدبیر و ورع نسبت به حرام‌های الهی.^۲

دیدگاه چهارم: مجرّد ترک گناهان یا خصوص ترک گناهان کبیره.^۳

دیدگاه پنجم: تعادل در دین و مرّوت و احکام.^۴

دیدگاه ششم: ملکه انجام واجبات و ترک محرّمات.^۵

در این نوشته، مبنای بررسی شرط عدالت در صلاحیت نامزدهای مجلس شورای اسلامی، تعریف مشهور خواهد بود.

مجلس

مراد از مجلس یا پارلمان،^۶ هیئتی است که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها از سوی مردم با رأی مستقیم، مخفی و همگانی مردم انتخاب می‌شود و در کشورهایی که تفکیک قوا صورت گرفته است، پارلمان، قوه قانونگذاری را تشکیل می‌دهد.^۷ در ایران، نهاد قانونگذاری، مجلس شورای اسلامی است و عبارت است از مجموعه‌ای از نمایندگان مردم از همه اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی.

نمایندۀ مجلس

نمایندۀ مجلس به معنای فردی است که از طرف مردم به عضویت مجلس انتخاب

۱. این دیدگاه، به والد شیخ صدوق رحمته‌الله نسبت داده شده است (انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، رسائل فقهیه، ص ۷).

۲. شیخ مفید، محمد ابن محمد ابن نعمان، المقنعة، ص ۷۲۵.

۳. این دیدگاه به ابوالصلاح حلبی نسبت داده شده است (انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، رسائل فقهیه، ص ۶).

۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۸، ص ۲۱۷.

۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ۱، ص ۲۷.

۶. parlmanet

۷. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۷۶.

می‌شود^۱ و بنا بر اصل شصت و دوم و اصل شصت و سوم قانون اساسی، با رأی مستقیم و مخفی مردم برای نهاد قانونگذاری برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود.^۲

خاستگاه شرط عدالت در ابواب فقهی

بررسی شرط عدالت در ابواب فقهی از دو جهت در این نوشته به کار می‌آید؛ جهت اول آن است که نماینده مجلس از لحاظ ماهیت - چنان که در ادامه، بدان خواهیم پرداخت - قابل تطبیق بر برخی عناوین فقهی - همچون وکالت و ولایت - است و وقتی عدالت در این عناوین شرط باشد، با تطبیق مذکور، شرطیت آن در نماینده مجلس هم ثابت خواهد شد. جهت دوم آن است که با توجه به شرطیت عدالت در ابواب مختلف فقهی - که اهمیت برخی از آنها از مسئله نمایندگی مجلس به مراتب کمتر است - می‌توان از باب قیاس اولویت، لزوم شرط عدالت در صلاحیت نماینده مجلس را نتیجه گرفت که از آن جمله است: باب اجتهاد و تقلید،^۳ باب طهارت،^۴ باب نماز،^۵ باب زکات،^۶ باب خمس،^۷ باب روزه،^۸ باب امر به معروف و نهی از منکر،^۹ باب تجارت،^{۱۰}



۸۷

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، حرف «ن».

۲. متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه اصلاحات سال ۱۳۶۸.

۳. کزازی عراقی، آقا ضیاء الدین علی، قاعدة نفي الضرر و الاجتهاد و التقليد (مقالات الأصول)، ص ۴۹۷.

۴. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۲۲.

۵. نراقی، ملا احمد، مستند الشیعه فی احکام الشریعة، ج ۸، ص ۲۶.

۶. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۱۴۸.

۷. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، ایضاح ترددات الشیخ، ج ۱، ص ۹۱.

۸. حلّی، محمد بن منصور بن احمد، (ابن ادريس حلّی)، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج ۳، ص ۷۰؛ ج ۱، ص ۴۵۸.

۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک في شرح مختصر النافع، ج ۵، ص ۴۰۶.

۱۰. کزازی عراقی، آقا ضیاء الدین علی، شرح تبصرة المتعلمين، ج ۵، ص ۲۰۵؛ العاملی، محمد بن مکی (شهید

اول)، الدروس، ج ۳، ص ۲۸۸.

باب حَجْر،^۱ باب وکالت،^۲ باب وقف،^۳ باب قرض،^۴ باب وصیت،^۵ باب طلاق،^۶ باب
ظهار،^۷ باب لقطه،^۸ باب قضاوت،^۹ باب شهادت،^{۱۰} باب دیات.^{۱۱}

ماهیت منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی

در بررسی شرط عدالت در صلاحیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، لازم است ابتدا ماهیت این منصب تبیین شود؛ زیرا اگر نماینده مجلس - از لحاظ فقهی - مصداق یکی از عناوین مذکور در فقه - که عدالت در آنها شرط است، مانند عنوان ولی، قاضی و شاهد - باشد شرطیت عدالت در نماینده، با همان ادله شرطیت عدالت در آن عناوین، اثبات می شود.

مهم ترین دیدگاه‌ها در باب ماهیت «منصب نمایندگی مجلس»، سه دیدگاه است:

۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الخلاف، ج ۳، ص ۲۸۳.
۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الأفهام، ج ۵، ص ۲۴۷؛ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۳۷. تعبیر ایشان این است که عدالت در وکیل شرط نیست، مگر موردی که در آن مورد، عدالت شرط باشد مثل متولی وقف (نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۹۶).
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۱۸۴.
۴. سورة بقره، آیه ۲۸۲.
۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص ۵۱؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مقنعه، ص ۸۲۳؛ طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة الی نیل الفضیلة، ص ۳۷۳؛ دیلمی، حمزة بن عبد العزیز (سلار دیلمی)، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، ص ۲۰۲؛ طرابلسی، قاضی عبد العزیز (ابن بزاج)، المهذب، ج ۲، ص ۱۱۶.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۵، ص ۲۵۱.
۷. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۳۷۹.
۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلّی)، تذکرة الفقهاء، ج ۱۷، ص ۳۱۳، مسئله ۴۰۹.
۹. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱۵، ص ۳۵؛ رشتی گیلانی، میرزا حبیب الله، کتاب القضاء، ج ۱، ص ۱۱۷؛ سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۳۹؛ حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۹۱.
۱۰. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۴، ص ۱۱۵.
۱۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، ص ۲۲.

۱. وکالت شرعی؛ نماینده، وکیل شرعی از جانب مردم است.^۱

۲. ولایت شرعی؛ نماینده، ولیّ مأذون از جانب ولیّ فقیه است.^۲

۳. وکالت قانونی؛ نماینده، وکیل قانونی مأذون از سوی ولایت فقیه است.^۳

به نظر می‌رسد هیچ یک از این دیدگاه‌ها، با منصب نمایندگی فعلی در نظام جمهوری اسلامی، تطبیق ندارد؛ زیرا در دیدگاه اول، وجه مشروعیت تقنین - به عنوان وظیفه اصلی منصب نمایندگی - مورد تبیین قرار نگرفته است، چنانکه در دیدگاه دوم، به چیستی رابطه نماینده با مردم اشاره‌ای نشده است. اشکال دیدگاه سوم نیز این است که مأذون بودن، وجه مشروعیت تقنین، به حساب آمده است؛ در حالی که در این موضوع، اذن نمی‌تواند منشأ مشروعیت باشد؛ زیرا با توجه به این که تقنین یکی از شئون ولایت است، تنها کسی می‌تواند قانونگذاری کند که دارای ولایت باشد و بر این اساس - همچنان که در دیدگاه نگارنده خواهد آمد - باید گفت منشأ مشروعیت، ولایتی است که ولیّ فقیه بر اساس قانون اساسی به نمایندگان - در امر تقنین - اعطا کرده است و نمایندگان بر اساس ولایتی که در امر تقنین دارند می‌توانند قانونگذاری کنند.

دیدگاه نگارنده: «وکالت شرعی و ولایت»؛ نماینده، وکیل شرعی از سوی مردم و ولیّ مأذون از سوی ولیّ فقیه است. است، یعنی ولیّ فقیه، ولایت در محدوده تقنین را به نماینده واگذار کرده و او در این جهت - از سوی ولیّ فقیه - اذن و حق تقنین دارد. با توجه به ناتمام بودن دیدگاه‌های یاد شده، به نظر می‌رسد دیدگاه صحیح آن است که گفته شود، ماهیت منصب نمایندگی، ترکیبی از وکالت شرعی و ولایت است و نماینده، وکیل شرعی از سوی مردم و ولیّ مأذون از سوی ولیّ فقیه است. بر اساس این دیدگاه، از آنجا که وکالت در فقه به معنای «طلب نیابت در تصرف» است^۴ و نماینده در واقع، نائب در تصرف است، می‌توان عنوان «وکیل شرعی» را بر او تطبیق کرد.

مرحوم نائینی از کسانی است که با صراحت، ماهیت منصب نمایندگی را «وکالت

۱. غروی نائینی، میرزا محمد حسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، ص ۱۱۴.

۲. مدرسی یزدی، سید محمد علی، تقریرات خارج فقه تقنین، سال ۱۳۹۵؛ مرکز جامع علوم اسلامی ولی

امر ترجمه الشریح .

۳. کعبی، عباس؛ حکیمی، سجاد، «ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران».

۴. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۵۱.

شرعی» می‌داند.^۱ مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز بارها از تعبیر «وکیل» نسبت به نمایندگان استفاده کرده‌اند:

ببینید و بفهمید چه کسی را به مجلس می‌فرستید. آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد.^۲
سوگندنامه نمایندگان - که در آن تصریح به منصب وکالت شده است -^۳ شاهد دیگری بر صحت انطباق عنوان «وکیل» است.

از سوی دیگر، باید گفت با توجه به این که تقنین یکی از شئون ولایت است، تنها کسی می‌تواند قانونگذاری کند که دارای ولایت باشد. بر این اساس، مشروعیت تقنین نمایندگان مجلس، از باب ولایتی است که ولی فقیه به آنها اعطا کرده است.^۴

شاهد بر این دیدگاه کلام مقام معظم رهبری (حفظه الله) است که فرموده‌اند:
ولایتی که امروز شما دارید - قانونگذاری، ولایت است - یک ولایت الهی است؛ ریشه در ولایت الهی دارد؛ برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی است. این مردم‌سالاری دینی که ما می‌گوییم، معنایش این است؛ یعنی نماینده مجلس شورای اسلامی از این طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است که این شد یک تکلیف؛ بنابراین، آنچه در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای من شخصی و نوعی واجب الاتباع است و بایستی برطبق او عمل کنم. این مبنا، مبنای اسلامی است.^۵

بر این اساس، رابطه مردم با نماینده، رابطه موکل با وکیل شرعی است و نماینده، وکیل شرعی از سوی آنان است و این ولایت در حق انتخاب نماینده - که اولاً و بالذات از آن ولی فقیه است - از سوی ولی فقیه به مردم داده شده است؛ چنان که ولایت نمایندگان منتخب در تقنین، از سوی ولی فقیه به آنان تفویض شده است. این دو

۱. غروی نائینی، میرزا محمد حسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، ص ۱۱۴.

۲. «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر» (۱۳۷۴/۱۲/۰۱).

۳. اصل ۶۷ قانون اساسی.

۴. مدرسی یزدی، سید محمد علی، تقریرات خارج فقه تقنین، سال ۱۳۹۵، مرکز جامع علوم اسلامی ولی

امیر ولی‌الله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.

۵. «بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم»، (۱۳۸۷/۰۳/۲۱).

تفویض ولایت، در واقع، با تأیید و تنفیذ ولی فقیه بر قانون اساسی - که فرایند کنونی انتخاب نماینده و تقنین در آن آمده - محقق شده است. از این رو، بر نماینده مجلس شورای اسلامی، دو عنوان فقهی «وکیل شرعی» و «ولی» منطبق است.

این نکته نیز باید توجه شود که گاهی نماینده، در نقش قاضی عمل می‌کند و حکم می‌دهد. به عنوان نمونه، طبق اصل ۸۳ قانون اساسی، یکی از وظایف نمایندگان، تصویب انتقال بناها و اموال دولتی به غیر است، یعنی حکم به تملیک می‌کنند. یا در مصوبات مربوط به تعیین جریمه برای تخلفات راهنمایی و رانندگی، نمایندگان، حکم به لزوم پرداخت مبالغ تعیین شده می‌کنند. با این حال، از آنجا که این موارد در وظایف نمایندگان، اندک است، تطبیق عنوان قاضی بر نماینده، تطبیق کاملی نخواهد بود. بر این اساس، این نکته می‌تواند در بخش ادله اثبات شرطیت عدالت، به عنوان وجهی برای جواز تمسک به ادله شرطیت عدالت در قاضی و حاکم مورد استناد قرار بگیرد.

ادله اثبات شرط عدالت در صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس

برای اثبات شرط عدالت در صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس، می‌توان در ذیل شش عنوان کلی استدلال کرد.

عنوان اول: عمومات دال بر شرطیت عدالت

در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، عموماتی یافت می‌شود که در آنها از اعتماد کردن به فاسقین و اطاعت از آنها نهی شده است، این موارد قابل تطبیق بر نماینده مجلس است؛ زیرا مردم ملزم به اطاعت از قوانین مصوب توسط نمایندگان هستند.

۱. آیات قرآن کریم

آیه اول: «وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»؛^۱ و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان اِفراطی است.

بر اساس این آیه شریفه، اطاعت از فردی که «غافل از یاد خدا» و «تبعیت‌کننده از هوای نفس» است، جایز نیست. این دو وصف، به روشنی بر فاسق قابل تطبیق است.

۱. سوره کهف، آیه ۲۸.

با توجه به اینکه مردم - طبق قانون اساسی - باید از قوانین مصوّب نمایندگان مجلس تبعیت و اطاعت کنند، نباید نماینده مجلس، فرد فاسقی باشد.

ارزیابی چند شبهه

شبهه اول

ممکن است گفته شود که حتی اگر نمایندگان فاسق باشند، اطاعت آحاد جامعه از قوانین مصوّب توسط آنان مصداق اطاعت از نماینده فاسق نیست؛ زیرا این قوانین به تأیید شورای نگهبان می‌رسد که در آن شش فقیه عادل عضویت دارند. بنابراین - در واقع - مردم از رأی فقیهان عادل، اطاعت می‌کنند؛ نه از رأی نماینده فاسق. در پاسخ به این شبهه، دو نکته قابل طرح است:

الف) تأیید قوانین در شورای نگهبان لزوماً به معنای موافقت همه فقهای این شورا با آن قانون نیست؛ زیرا در بسیاری از موارد، کار به شمارش آرای موافق می‌انجامد و این‌گونه نیست که هر قانونی با موافقت همه فقهای شورای نگهبان همراه باشد.

ب) در برخی موارد، مجلس پس از رفت و برگشت‌های مکرر، نمی‌تواند نظر شورای نگهبان را تأمین کند و قانون برای تعیین تکلیف نهایی و تصویب، به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود. در چنین مواردی، اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام با نظر مجلس موافقت کند، لازمه‌اش اطاعت مردم از رأی نماینده فاسق خواهد بود.

شبهه دوم

ممکن است گفته شود: «فسق در مسائل شخصی قابل جمع با عدل در مسائل نوعی و اجتماعی است و در منصب نمایندگی، همین مقدار از عدالت کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، همین که برای مثال، نماینده‌ای اهل دروغ نباشد، می‌تواند بسیاری از وظایف منصب خود را به درستی انجام دهد؛ اگر چه در مسائل شخصی مثل رعایت کردن حریم نامحرم و یا پرهیز از برخی گناهان، لا ابالی و فاسق باشد».^۱ در پاسخ به این شبهه گفته شده است:

مجرد امکان ثبوتی این ادعا کافی نیست، یعنی ممکن است بتوان فرض کرد که

۱. موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، ولایة الفقیه، ص ۶۵ (با اندکی تصرف).

کسی در عین این که در مسائل شخصی، اهل بسیاری از گناهان است بتواند در انجام وظایف اجتماعی درست عمل کند، اما این صرف یک احتمال است و کافی نیست؛ زیرا فاسقی که در مسائل شخصی و احکام فردی، نسبت به حلال و حرام الهی، امین نیست، نمی‌تواند شخص قابل اعتمادی در مسائل مربوط به حکومت باشد؛ به طوری که حاکم بتواند امور مربوط به جامعه را به او بسپارد. از این رو، صلاحیت نداشتن فاسق برای پُست‌های حکومتی، از واضحات و بدیهیات اولیه است. البته، ممکن است فقیه، در مواردی به اقتضای مصلحتی که تشخیص می‌دهد - به طور موقت - یک پست حکومتی را به یک فاسق تفویض کند؛ چنانکه در زمان بعضی از معصومین علیهم‌السلام، اتفاق افتاده است.^۱

در تکمیل و تطبیق این پاسخ، می‌توان گفت در صورتی که یک فاسق در منصب نمایندگی قرار بگیرد، هر زمان که انجام درست وظایف محوّل شده به او با منافع شخصی و امیال نفسانی اش تعارض پیدا کند، تضمینی وجود ندارد که امیال نفسانی را زیر پا بگذارد، از منافع شخصی چشم پوشی کرده و به وظایف خود به شکل صحیح عمل کند؛ به ویژه نسبت به آن وظایفی که انجام صحیح آنها منوط به داشتن عدالت است. افزون بر این، ماهیت شخص فاسق به گونه‌ای است که به جهت نداشتن خط قرمز نسبت به حدود الهی، حدّ توقفی در او نسبت به ارتکاب گناهان وجود ندارد. بر این اساس، حتی اگر فرض شود که فرد فاسق در هنگام تداخل برخی از گناهان با وظیفه اجتماعی و حق الناس، حق الناس را مقدم بدارد و از آن گناهان دوری کند، معلوم نیست در مورد دیگر گناهان نیز چنین اغماضی داشته باشد و این بدان معناست که فرد فاسق، مورد اطمینان و اعتماد نیست.

شبهه سوم

نماینده، در بسیاری موارد، کارشناس است و تشخیص ضرورت، اضطرار و مصلحت می‌دهد و در امر کارشناسی دست‌کم باید ثقه و قابل اعتماد باشد و این وثاقت، با فسق از بین نمی‌رود. در پاسخ به این شبهه نیز باید گفت:

اولاً، در این شبهه تصریح شده که نقش کارشناسی نماینده برای بسیاری از موارد

۱. همان.

است نه همه موارد و اینک سؤال این است که در مواردی که نقش‌های دیگری دارد - که در آن نقش‌ها چه بسا وثاقت کافی نباشد - چه می‌گویید؟ آیا در آن موارد هم می‌توان از رأی نماینده فاسق تبعیت کرد؟

ثانیاً، از آن جا که مراد از «وثاقت» در این شبهه، دروغ نگفتن است، این شبهه به شبهه سابق بازگشت می‌کند که آیا فاسق غیر مُخْبِرِی، لزوماً منجر به فسق مُخْبِرِی می‌شود؟ و همان پاسخی که به شبهه دوم داده شد در اینجا قابل ارائه است.

آیه دوم: «وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۱ و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید!

بر اساس این آیه شریفه، باید مناصب حکومتی و از جمله نمایندگی مجلس، تنها به عدول از مؤمنین سپرده شود؛ زیرا فسق، مصداق قطعی ظلم است^۲ و فاسق، ظالم است و آیه شریفه از اعتماد و تکیه کردن بر ظالمین شدیداً نهی کرده است؛ زیرا وعده آتش دوزخ داده است و معلوم است که سپردن منصب نمایندگی به یک فاسق، اعتماد کردن و تکیه کردن به اوست و از آنجا که هر کس عادل نباشد، عرفاً ظالم است، باید منصب نمایندگی به عدول از مؤمنین سپرده شود.

۲. روایات

روایت اول: صحیح ابوحزمه

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَىٰ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنِ أَبِي هَمَزَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: «وَأَيُّكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ»^۳.

سند این روایت صحیح است؛ زیرا وثاقت «محمد بن یحییٰ العطار»، «احمد بن محمد بن عیسیٰ اشعری» «علی بن ابراهیم بن هاشم»، «حسن بن محبوب سزاد»، «مالک

۱. سوره هود، آیه ۱۱۳.

۲. به استناد آیه شریفه «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۲۹).

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۱۴.

بنابر مبنای «کثرت نقل أجلّاء از یک راوی»، مورد وثوق است. افزون بر این، به جهت تحویل در سند این روایت، در فرض عدم پذیرش وثاقت علی بن ابراهیم، با طریق دیگری که در سند وجود دارد، یعنی طریق محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب، سند روایت صحیح خواهد بود.

دلالت این روایت بر مطلب تمام است؛ زیرا در این روایت، از یاری کردن ظالم نهی شده است و معلوم است که تأیید صلاحیت نماینده فاسق همانند رأی دادن به او، مصداق یاری کردن ظالم است. بر این اساس، تأیید صلاحیت چنین فردی جایز نیست و تنها نماینده‌ای که عادل باشد، قابل تأیید صلاحیت است.

روایت دوم: صحیحہ معاویة بن وهب

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: «فَمَنْ بِالْحَقِّ وَلَا تَعَرَّضْ لِمَا فَاتَكَ وَاعْتَرَلْ مَا لَا يَغْنِيكَ وَتَجَنَّبْ عَدْوَكَ وَاخْذَرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينُ وَالْأَمِينُ مَنْ خَشِيَ اللَّهَ وَلَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ وَلَا تُظْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ وَلَا تَأْمَنْهُ عَلَى أَمَانَتِكَ وَاسْتَشِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»^۱.

سند روایت صحیح است؛ زیرا وثاقت تمامی راویان موجود در سند حدیث: «شیخ صدوق» و «والد ایشان»، «محمد بن یحیی العطار»، «محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری»، «محمد بن حسین ابی الخطاب»، «حسن بن محبوب سَرَاد» و «معاویة بن وهب بجلی»، مورد تصریح رجالیون است. چند فراز از این روایت شریف، دلالت بر مدعا دارد:

فراز اول: «وَ اخْذَرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينُ وَالْأَمِينُ مَنْ خَشِيَ اللَّهَ». در این فراز، امام عليه السلام نهی کرده است از این که انسان، کسی را که امین - به تفسیر امام در این روایت، یعنی خداترس - نیست به دوستی برگزیند و واضح است که انسان فاسق، خداترس نیست و وصف خداترسی از ویژگی‌های فرد عادل است. این بیان، نشان می‌دهد که از شروط الزامی انتخاب دوست این است که فردی که انتخاب می‌شود،

۱. العاملی، محمد بن الحسن، (شیخ حرّ عاملی)، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۲.

خداترس و عادل باشد. وقتی در مورد انتخاب یک دوست - که نسبت به برخی از امور انسان دخالت دارد - چنین شرطی الزامی است، واضح است که به طریق اولی نسبت به نماینده مجلس که دخیل و تصمیم گیرنده راجع به امور مهم منطقه نمایندگی خود و نیز مسائل کلان کشور است، باید چنین شرطی، وجود داشته باشد.

فراز دوم: «وَلَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ». در این بیان، امام علیه السلام، انسان را از مصاحبت با فاجر نهی کرده است. آنچه از این فراز برای مدعا قابل استفاده است این است که وقتی در مصاحبت - که هرگز به معنای واگذاری امور مهم انسان به شخص مقابل نیست - باید از شخص فاجر پرهیز کرد، در واگذاری منصب نمایندگی مجلس که در آن، امور مهم جامعه به نماینده واگذار می شود و جایگاهی به مراتب بالاتر از مصاحبت دارد - به طریق اولی - باید از شخص فاجر پرهیز کرد. از این رو، باید نماینده مجلس شخصی عادل باشد.

فراز سوم: «وَلَا تَأْمَنُهُ عَلَى أَمَاتِكَ». در این فراز، امام علیه السلام از امین قرار دادن فاجر نهی کرده است. با ملاحظه بیانی که در توضیح فراز پیشین گذشت، با این فراز ممنوعیت امین قرار دادن نماینده فاسق در امور مهم منصب نمایندگی - که در فراز اول اثبات شد - تأکید می شود.

فراز چهارم: «وَاسْتَشِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ». در این بیان نورانی، امام علیه السلام می فرماید: در امور خود با کسانی مشورت کن که اهل خشیت نسبت به پروردگار هستند. در این فراز، خشیت از خداوند مورد توجه قرار گرفته است، یعنی خداترسی و روشن است که چنین خشیتی به معنای عدالت و یا بالاتر از عدالت است^۱ و بی شک،

۱. در مقایسه «فسق» و «فجور»، برخی این دو واژه را به یک معنا گرفته اند (جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، ج ۴، ص ۱۵۴۳) و برخی «فجور» را مرتبه ای از «فسق» - که ناظر به گستره معصیت است - دانسته اند (عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، ج ۱، ص ۲۲۵).

۲. علامه طباطبایی، در ذیل آیه شریفه «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (سوره حدید، آیه ۱۶) می فرماید: «خدای تعالی با این کلام خود به این مطلب اشاره کرده است که دل های مسلمانان مانند دل های اهل کتاب دچار قساوت شده، و قلب دارای قساوت از آنجا که فاقد خشوع و تأثر از حق است، از زی عبودیت خارج می شود و در نتیجه، از مناهی الهی متأثر نمی شود، و مرتکب گناه و فسق می شود و به همین مناسبت، در آیه شریفه در ردیف جمله «فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ» جمله «وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» را آورد»

شخص فاسق خداترس نیست. بر این اساس، می‌گوییم وقتی «عدالت» در امر مشورت لازم باشد، در امر قانونگذاری و مسئله تصمیم‌گیری برای جامعه که امری به مراتب مهم‌تر است - به طریق اولی - عدالت لازم است.

روایت سوم

بنا به روایتی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ كَانَ لِعَيْبِهِ أَظْلَمٌ»^۱.

این روایت، از جهت سند، مُرسل است و می‌تواند مؤیدی برای دو روایت قبل باشد. بر اساس این روایت، کسی که به خود ظلم می‌کند، نسبت به غیر خود ظالم‌تر خواهد بود. از آنجا که فاسق کسی است که به خود ظلم می‌کند، اگر نماینده‌ای فاسق باشد، به طور حتم به دیگران بیش از خود ظلم خواهد کرد و بر این اساس، نمی‌توان منصب نمایندگی را به چنین فردی سپرد.

عنوان دوم: تطبیق برخی عناوین فقهی بر عنوان نماینده مجلس

در ابواب فقه، عناوینی وجود دارد که عدالت در آنها شرط است. در بخش خاستگاه عدالت در ابواب فقهی به این عناوین اشاره شد. با توجه به آنچه در بخش بررسی چیستی ماهیت نماینده مجلس گذشت، از میان عناوین فقهی قابل تطبیق بر نماینده مجلس می‌توان به عناوین «وکیل»، «ولی» و «قاضی» تمسک کرد.

در مورد انطباق عنوان «وکیل»، گفتنی است که اگر چه فقها به طور کلی در وکیل، عدالت را شرط نکرده‌اند، اما در برخی از مصادیقِ قائل به شرطیت عدالت شده‌اند که عبارتست از: وکیل ولی یتیم، وکیل ولی وقف عام، وکیل وکیل^۲ و نیز وکالت در ولایت بر مال.^۳ از این موارد، معلوم می‌شود که اگر مورد وکالت امر مهمی مانند اموال مردم و مانند

۱. طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۶۱. بر این اساس،

انسان خاشع، آن کسی است که مطیع اوامر و نواهی الهی (= عادل) باشد.

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۶.

۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۲۴۷، طباطبایی

یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۳۷. تعبیر ایشان این است که عدالت در وکیل،

شرط نیست مگر موردی که در آن مورد عدالت شرط باشد؛ مثل متولی وقف.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷، ص ۳۹۶.

آن باشد، باید وکیل، عادل باشد. بر این اساس، می‌توان گفت اگر وکیل در امور مربوط به وکالت یک شخص باید از عدالت برخوردار باشد - به طریق اولی - نماینده مجلس که وظیفه خطیر تصمیم‌گیری در مسائل کلان یک جامعه را بر عهده دارد، باید عادل باشد. با تطبیق عنوان «ولی» بر نماینده مجلس، نیز می‌توان لزوم شرطیت عدالت در منصب نمایندگی را اثبات کرد؛ زیرا بر اساس دیدگاه نگارنده - که نماینده مجلس، وکیل شرعی از سوی مردم و ولیّ مأذون از سوی ولیّ فقیه است - این منصب، شعبه‌ای از ولایت ولیّ فقیه است و به همان ادله اربعه‌ای که باید ولیّ فقیه عدالت داشته باشد، شخصی هم که شعبه‌ای از آن ولایت را دریافت کرده است، باید عادل باشد.

در اینجا ممکن است این شبهه مطرح شود که ادله لزوم شرط عدالت در «ولیّ»، شامل اولیاء زیر مجموعه «ولیّ» - با وجود نظارت خود «ولیّ» و نظارتی مثل شورای نگهبان - نمی‌شود.

در پاسخ به این شبهه باید گفت که ادله لزوم شرط عدالت «ولیّ» اطلاق دارند و شامل «ولیّ اصیل» و «ولیّ مأذون» می‌شوند.

در مورد عنوان «حاکم» - در بخش خاستگاه شرط عدالت در ابواب فقهی - بیان شد که لزوم شرط عدالت در قاضی، به ادله اربعه در فقه ثابت شده است و نماینده مجلس، از آن جهت که در برخی موارد باید حکم و قضاوت کند،^۱ بر اساس همان ادله، باید عادل باشد.

البته، عنوان «آمر به معروف و ناهی از منکر» نیز با توجه به لزوم تذکر دادن به دولتمردان در صورت تخلف شرعی یا قانونی، از عناوین قابل تطبیق بر نمایندگان است که برخی فقها «عدالت» را در آمر و ناهی شرط کرده‌اند.^۲

عنوان سوم: خطیر بودن وظایف نمایندگان

دقت در مجموعه وظایف نمایندگان نیز این حقیقت را روشن می‌کند که منصب نمایندگی، جایگاهی خطیر و تأثیرگذار است و شرط عدالت نسبت به نامزدهای این

۱. به عنوان نمونه، طبق اصل ۸۳ قانون اساسی، یکی از وظایف نمایندگان، تصویب انتقال بناها و اموال دولتی به غیر است، یعنی حکم به تملیک می‌کنند و یا در مصوّبات مربوط به تعیین جریمه برای تخلفات راهنمایی و رانندگی، نمایندگان، حکم به لزوم پرداخت مبالغ تعیین شده می‌کنند.

۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۵، ص ۴۰۶.

پُست کلیدی، ضرورت دارد؛ زیرا انجام صحیح همه وظایف مذکور به طور عام و برخی از وظایف یاد شده، به طور خاص، در گرو عادل بودن نماینده است. از میان وظایفی که انجام صحیح آن به طور خاص، متوقف بر داشتن صفت عدالت در نمایندگان است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

پاسداری از حریم اسلام و نگرهبانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی،^۱ رعایت امانت و تقوا در انجام وظایف وکالت،^۲ مد نظر قرار دادن استقلال کشور، آزادی مردم و تأمین مصالح آنان در گفته‌ها، نوشته‌ها و اظهار نظرها، بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح،^۳ تصویب انتقال بناها و اموال دولتی به غیر،^۴ نظارت بر تشکیل دولت در قالب بررسی و دادن رأی اعتماد به هیئت وزیران،^۵ نظارت مستقیم بر دیوان محاسبات کشور و نظارت بر اجرای بودجه سالانه کشور،^۶ تصویب عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی^۷ و عضویت در شورای نظارت بر صدا و سیما.^۸

به بیان دیگر، اگر وظایف خطیر مذکور را نسبت به نماینده فاسق - که در بسیاری از مواقع، هوای نفس بر او چیره است - بسنجیم - به یقین، در جواز سپردن چنین مسئولیتی به او تردید خواهیم کرد.

عنوان چهارم: شرط عدالت بر اساس شروط قانونی نامزدهای نمایندگی

طبق ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نامزدهای مجلس شورای اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی چون: «اعتقاد و التزام عملی به اسلام» و «نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه»، باشند.^۹ در شرط اول، قید «التزام عملی به اسلام» آمده است. نخستین

۱. اصل ۶۷ قانون اساسی.

۲. همان.

۳. اصل ۶۵ قانون اساسی.

۴. اصل ۸۳ قانون اساسی.

۵. اصل ۸۷ قانون اساسی.

۶. اصل ۴۴ و ۵۴ قانون اساسی.

۷. اصل ۷۷ قانون اساسی.

۸. اصل ۱۷۵ قانون اساسی.

۹. متن قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ با آخرین تغییرات؛ سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان.

معنایی که از این قید به ذهن متبادر می‌شود این است که شخص نامزد، در عمل همانند مسلمانان باشد، ولی دقت بیشتر در این قید گویای آن است که کلمه «التزام» بار معنایی خاصی دارد و این نکته را گوشزد می‌کند که شخص نامزد باید در اعمال و رفتار خود از جاده شریعت تخطی نکند و این تعبیر دیگری از التزام به تقوا و دستورات دینی است که عنوان فقهی آن، همان «عدالت» است. البته، چون این قید تا کنون بدین شکل تفسیر نشده، کسی از آن «عدالت فقهی» برداشت نکرده است. به هر حال، این قید می‌تواند حاکی از دغدغه تدوین کنندگان قانون انتخابات مجلس نسبت به وصف عدالت در نامزدهای مجلس شورای اسلامی باشد.

در شرط پنجم هم که سخن از نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخاباتی است، در واقع، همان دغدغه به شکل ضعیف‌تری مطرح شده است؛ زیرا نداشتن سوء شهرت به این معناست که نامزدی که برای مجلس ثبت نام می‌کند، نباید سابقه فسق در منطقه محل سکونت خود داشته باشد. این شرط نشان می‌دهد که فسق حتی اگر به گونه «سوء سابقه» در نامزد نمایندگی وجود داشته باشد، با مسئولیت نمایندگی در تضاد است.

عنوان پنجم: مذاق شارع و قیاس اولویت

در مواقعی که موضوعی فاقد دلیل خاص باشد، اما بتوان با مذاق سنجی شارع، از طریق عمومات و ادله خاص حکم آن موضوع مجهول را کشف کرد، حکم بدست آمده را مذاق شارع در آن موضوع می‌نامند. برای مثال، صاحب جواهر - در بحث مستحبات وضو - برای اثبات اینکه قرار دادن ظرف وضو در سمت راست - از نظر شارع - استحباب دارد، با استناد به عموماتی که دال بر استحباب تیامن در هر چیزی است، مذاق شارع را در این موضوع خاص، استحباب تشخیص می‌دهد.^۱

بر اساس فتاوی‌ای فقها عظام، شارع مقدس، در باب تیمم برای استنابه در طلب آب، نسبت به نائب؛^۲ در باب نماز جماعت، نسبت به امام جماعت؛^۳ در باب زکات،^۴

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، روض الجنان فی شرح إرشاد، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳. نراقی، ملا احمد، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۸، ص ۲۶.

۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۳۵۰؛

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۴.

خمس^۱ و کفاره^۲ روزه نسبت به مستحقین زکات، خمس و کفاره؛ در باب امر به معروف و نهی از منکر^۳ نسبت به امر و ناهی؛ در باب تجارت نسبت به مقوم ارش،^۴ در احراز رفع حجر صبی نسبت به احرازکننده،^۵ در باب وقف نسبت به متولی وقف؛^۶ در باب قرض، نسبت به نویسنده قرض،^۷ در باب طلاق، نسب به شاهد طلاق؛^۸ در باب ظهار، نسبت به شاهدان نطق شخص ظهارکننده^۹ و همچنین در باب دیه نسب به کارشناس تعیین مقدار دیه،^{۱۰} «عدالت» را شرط کرده است. با ملاحظه موارد یاد شده، می‌گوییم: چطور ممکن است شارع مقدس در این امور که اهمیت کمتری نسبت به نمایندگی مردم در امور جامعه دارند، عدالت را شرط بداند، ولی در نماینده مجلس - با توجه به وظایف خطیرش - عدالت را شرط نداند؟ وقتی در آن موارد، عدالت لازم است - به طریق اولی - مذاق شارع نسبت به نماینده مجلس در منصب نمایندگی، شرطیت عدالت خواهد بود.

عنوان ششم: مفاسد فراوان در صورت عدم شرطیت عدالت

پول و قدرت، دو پدیده‌ای هستند که می‌توانند زمینه فساد و انحراف را فراهم آورند. این دو پدیده، در مناصب حکومتی و از جمله منصب نمایندگی وجود دارند. نماینده مجلس که از جایگاه ویژه‌ای در ساختار حکومت برخوردار است - به جهت توانایی ارتباط گرفتن با افراد و نهادهای مختلف و نیز به جهت دسترسی به منابع مالی - در معرض فساد و انحراف است.

۱. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلی)، ایضاح ترددات الشیخ، ج ۱، ص ۹۱.

۲. حلی، محمد بن منصور، (ابن ادریس حلی)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۷۰، ج ۱، ص ۴۵۸.

۳. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک، ج ۵، ص ۴۰۶.

۴. العاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس، ج ۳، ص ۲۸۸.

۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الخلاف، ج ۳، ص ۲۸۳.

۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۱۸۴.

۷. سورة بقره، آیه ۲۸۲.

۸. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۵، ص ۲۵۱.

۹. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۱۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، ص ۲۲.

بسیاری از مفاسد منصب نمایندگی، ناشی از شرط نبودن عدالت در صلاحیت نماینده است؛ به طوری که اگر عدالت شرط باشد، این مفاسد یا اساساً رخ نمی دهند و یا در حداقل مقدار ممکن رخ می دهند. برخی از این مفاسد - که تا کنون اتفاق افتاده است - عبارتند از: گرفتن رشوه با عناوین مختلف، فروش اطلاعات نظام، فحاشی و درگیری در مجلس که موجب اتلاف وقت، کینه ورزی و بروز حس انتقام جویی می شود، کیسه دوختن برای بیت المال، رانت، زد و بند با احزاب سیاسی منحرف، تعامل با دشمنان نظام، شرکت نکردن در رأی گیری و یا دادن رأی بدون آگاهی کامل به یک وزیر یا یک لایحه، مقدم کردن منافع شخصی یا حزبی بر منافع ملی و دینی در مصوبات مجلس، عدم استیضاح دولتمردان، رسیدگی نکردن به تخلفات افراد حقیقی یا حقوقی در کشور یا مجلس، نگاه های شعاری به مقوله فرهنگ و ارزش های دینی، عدم تبعیت از ولی فقیه، سرپیچی از انجام صحیح وظایف نمایندگی، مجبور کردن مسئولین دولتی به ارتکاب اقدامات خارج از قانون، سوء استفاده از اختیارات نمایندگی، تشویش اذهان عمومی، اعمال خلاف امنیت ملی کشور، اسراف در هزینه های مرتبط با نمایندگی، تحت فشار قرار دادن نهادهای دیگر با تصمیمات نادرست جمعی، انحراف از مسیر انقلاب، چراغ سبز نشان دادن به مخالفین داخلی و خارجی نظام با تصویب قوانین یا لوایح خاص و ده ها مفسده دیگر که شمارش آنها مجال فراتر می طلبد.

خاتمه: شاهی بر شرطیت «عدالت» در نماینده مجلس

این کلام مقام معظم رهبری (مد ظله) شاهد خوبی بر شرطیت «عدالت» در نمایندگان مجلس شورای اسلامی است:

در اسلام، مردم یک رکن مشروعیتند؛ نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام افزون بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می شود، استوار است این موضوع در همه رده های حکومت صدق می کند و تنها مخصوص رهبری در نظام جمهوری اسلامی نیست. البته، تکلیف رهبری سنگین تر است و عدالت و تقوایی که در رهبری لازم است، به طور مثال، در نماینده مجلس لازم نیست، اما این بدین معنا نیست که نماینده مجلس بدون داشتن تقوا و عدالت می تواند به مجلس برود؛ نخیر، او هم تقوا و عدالت لازم دارد؛ چرا؟ چون او هم حاکم

است و جزو دستگاه قدرت است.^۱

نتیجه‌گیری

با نظر به (۱) اهتمام شارع به شرطیت «عدالت» در ابواب مختلف فقهی؛ (۲) عمومات دال بر شرطیت عدالت؛ (۳) ماهیت منصب نمایندگی که قابل تطبیق بر عناوین فقهی وکالت، ولایت، قضاوت و امر به معروف و نهی از منکر است؛ (۴) ارتباط وظایف نمایندگان با شرط عدالت؛ (۵) مذاق شارع به ضمیمه قیاس اولویت که در ابواب مختلف فقهی، بر شرط بودن عدالت تأکید دارد؛ در حالی که شرط عدالت در بسیاری از آن ابواب فقهی از اهمیت کمتری نسبت به منصب نمایندگی برخوردار است؛ (۶) مفاسد فراوان منصب خطیر نمایندگی مجلس، در صورت شرط نبودن عدالت؛ می‌توان نتیجه گرفت که «عدالت» باید یکی از شروط صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس باشد.



۱۰۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مَدّ ظله) در دیدار استادان و دانشجویان قزوین: ۱۳۸۲/۹/۲۶.

کتاب نامه

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، مصحح / محقق: عبد السلام محمد هارون، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ ق.
۴. انصاری دزفولی، مرتضی (شیخ انصاری)، رسائل فقهیه، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۵. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴ ش.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۸. جمعی از اندیشمندان، متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت - لبنان: دار العلم للملایین، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، مؤسسة آل البيت علیہ السلام، قم: چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. حلّی، محمد بن منصور بن احمد، (ابن ادريس حلّی)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.



۱۰۴

دوفصلنامه تخصصی فقه نظام ■ سال اول ■ شماره اول ■ بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱۲. حلی السیوری، مقداد بن عبد الله (فاضل مقداد)، نضد القواعد الفقهية على مذهب الإمامية، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، ۱۴۰۳ ق
۱۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. —، تذكرة الفقهاء (ط- الحديثة)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، بی تا.
۱۵. —، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلی)، إيضاح ترددات الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
۱۷. —، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک في شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. دهخدا، علي اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳ ش.
۲۰. دیلمی، حمزة بن عبد العزيز (سالر دیلمی)، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، قم: منشورات الحرمین، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، مصحح / محقق: صفوان عدنان داوودی، لبنان- سوریه، دارالعلم - دار الشامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. رشتی گیلانی، میرزا حبیب الله، کتاب القضاء، قم: دار القرآن الکریم، قم: چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۲۳. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار، دفتر حضرت آية الله سبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (محقق سبزواری)، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۲۴۷ ق.

۲۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، بی تا.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. طرابلسی، قاضی عبد العزیز (ابن براج)، المهدب، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۳۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، مصحح / محقق: احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. —، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران: سوم، ۱۳۸۷ ق.
۳۳. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضیلة، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، قم: چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۴. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، حاشیة الإرشاد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. —، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، مصحح محقق: احمد محسنی سبزواری، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۲ ق.
۳۶. —، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: چاپ اول، ۱۴۰۲ ق.

۳۷. — ، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. العاملی، محمد بن الحسن، (شیخ حرّ عاملی)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. العاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۴۰. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت - لبنان: دارالآفاق الجديدة، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۴۱. غروی نائینی، میرزا محمد حسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۴۲. — ، المكاسب و البيع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: دارالرضی، چاپ اول، بی تا.
۴۴. کزکی جبل عاملی، علی بن حسین (محقق کزکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴۵. کعبی، عباس؛ حکیمی، سجاد، «ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳.
۴۶. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. کزازی عراقی، آقا ضیاء الدین علی، شرح تبصرة المتعلمین، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۸. — ، قاعدة نفي الضرر و الاجتهاد و التقليد (مقالات الأصول)، قم: مجمع الفكر الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

۴۹. متن قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوّب ۱۳۷۸/۹/۷ با اِعمال آخرین تغییرات، سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان.
۵۰. مدرّسی یزدی، سید محمد علی، تقریرات خارج فقه تقنین، قم: مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۹۵ ش.
۵۱. ملک افضل‌ی اردکانی، محسن؛ امید‌ی فرد، عبدالله؛ تنها، فاطمه؛ «بررسی شرط تقوا و عدالت مقامات حکومتی در فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۶۸.
۵۲. موسوی خمینی، سید مصطفی، ولایة الفقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، بی‌تا.
۵۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان: چاپ هفتم، بی‌تا.
۵۴. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۵۵. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.